

یکی از انتقاداتی که به شوراهای حل اختلاف وارد می‌شود، طولانی‌تر شدن فرایند دادرسی است، خصوصاً با توجه به این موضوع که مرجع تجدیدنظر از آرای شوراهای حل اختلاف، دادگستری است. این گفته را تأیید می‌کنید؟

شوراهای حل اختلاف در حال حاضر در دو بخش اصلی کار می‌کنند؛ یکی اینکه رسیدگی‌هایی انجام می‌دهند و رأی صادر می‌کنند که در بعضی امور جزو صلاحیت‌شان است، مثل دعای زیر ۲۰ میلیون تومان، درخواست گواهی انحصار وراثت، فرایند تأمین دلیل و تحریر تر که که صلاحیت‌های شورای حل اختلاف هستند و قاضی شورا بر اساس مدارک و ادله‌ای که می‌آید، رأی صادر می‌کند. در این طور موارد، شوروها مانند یکی از دادگاه‌های دیگری که در دادگستری هستند، عمل می‌کنند. اگر موردی باشد که کسی به رأی قاضی شورا اعتراض داشته باشد، برای تجدیدنظر خواهی به دادگستری می‌رود، شبیه محاکم دادگستری که وقتی کسی به دادگاه بدوی می‌رود، اگر اعتراضی داشته به دادگاه تجدیدنظر می‌رود، بنابراین از این جهت تفاوتی میان شورا و دادگستری وجود ندارد و صرف اینکه امکان تجدیدنظر خواهی وجود دارد، اطلاع دادرسی نشده و نمی‌شود. اگر بخواهم مستند سخن بگویم، باید به آمارها اشاره کنم. در حال حاضر در سال ۱۴۰۱ میانگین زمان رسیدگی در شورای حل اختلاف به ۳۹ روز رسیده، این در حالی است که در سال گذشته این میزان ۳۱روز و در سال‌های پیش‌تر نیز حدود ۴۰روز بود اما در دو سال اخیر، زمان رسیدگی کاهش پیدا کرده و به حدود ۲۹روز میانگین رسیده است. یعنی به بعضی از پرونده‌ها در عرض یک هفته رسیدگی و پرايش رأی صادر شده و بعضی دیگر ممکن است در عرض ۲۰ یا ۳۵روز رأی صادر شده باشد. در بعضی از پرونده‌ها مثل حصر وراثت، به لحاظ قانونی ملزم هستیم ۲۱روز صبر کنیم و پس از آنشر آگهی اجازه صدور گواهی را داریم، بنابراین اگر می‌بینید آنجا ۲۱روز معطل می‌شوند به دلیل الزام به قانون است. دست ما هم نیست، وگرنه همان هم می‌توانست یک هفته‌ای صادر شود و اون‌وقت میانگین ما به کمتر از ۲۹روز هم می‌رسید. حال شما این مقدار را با کسانی که به دادگاه‌ها یا دادرها در دادگستری مراجعه می‌کنند، مقایسه کنید. آنجا میانگین رسیدگی چندین برابر این است، مثلاً شما در شهر تهران اگر بخواهید به دادگستری بروید و از نظر حقوقی کاری داشته باشید، حداقل باید یک سال معطل بمانید تا نوبت‌تان شود، چون آنجا پرونده زیاد است، تراکم دارد، در مقابل اما قاضی کم دارند و مشکلاتی برای‌شان وجود دارد. به عقیده من شورای حل اختلاف موجب طولانی‌تر شدن رسیدگی به پرونده نشده بلکه به آن نیز سرعت بخشیده است. مگر در مواردی که افراد از شورا رأی می‌گیرند و از آنجا که امکان تجدیدنظر وجود دارد، این مسئله باعث طولانی‌تر شدن رسیدگی به پرونده می‌شود. به قطع می‌توانم بگویم که سرعت رسیدگی به پرونده‌ها در شوراهای حل اختلاف حداقل پنج برابر فاصله زمانی کمتری نسبت به دادگستری دارد و سرعت ما بسیار بیشتر است.

به نظر شما چرا قوه قضائیه به شوراهای حل اختلاف بها نمی‌دهد؟ مثلاً حقوق کارکنان شوراهای حل اختلاف بسیار ناچیز است و غالب کارمندان شوراها دنبال زرومه‌سازی و رفتن از شوراهای حل اختلاف هستند یا مثلاً قضاتی که در پایان دوره کار آموزی کمترین امتیاز را کسب می‌کنند به شوراهای حل اختلاف می‌روند یا اینکه قضاتی که صبح در مجتمع‌های قضایی مشغول کارند، با خستگی در بعدازظهر در شورای حل اختلاف مشغول کار می‌شوند.

توضیحی که در این باره باید بدهم به قانون برمی‌گردد. بر اساس قانون اعضای شوراهای حل اختلاف به عنوان کارمند به حساب نمی‌آیند و همکاری افتخاری دارند. اگر هم حقوقی به آنها داده می‌شود، صرفاً «پاداش» است و «حقوق» نیست. قانون چنین وضع کرده و دلیل بر این امر شده است. شورای حل اختلاف ایجاد شد تا در آن از معتبرین اشخاص و افراد مورداعتماد مردم استفاده شود و به عنوان صلح و سازش و همکاری‌هایی که بگینگو موارد را در برمی‌گیرد، فعالیت کند، منتها از همان روز اول که قانون وضع شد، دو دسته صلاحیت برای شورای حل

اختلاف پیش‌بینی شد؛ یک دسته رسیدگی‌هایی بود که در ابتدای صحبتم توضیح دادم، یک دسته هم اقدامات سازش‌گرانه است که شوراهای حل اختلاف به دنبال ایجاد سازش بین مردم و اصحاب پرونده‌ها هستند. بر این اساس از همان ابتدا بنا نبوده است که اینها مثل کارمندان به استخدام قوه‌قضائیه دربیایند. این به این معنا نیست که بها نمی‌دهند، اتفاقاً کارهای اعضای محترم شورای حل اختلاف خیلی محترم شمرده می‌شود. همچنین به دلیل زحماتی که می‌کشند، تسهیلاتی در جذب اینها در دادگستری فراهم شده، مثلاً سه‌ماهه برای این افراد گذاشته شده است و الان هم در پی آن هستیم وضعیت‌شان سازماندهی شود. قوه قضائیه بیش از پیش به دنبال بهادادن به این عزیزان است، در این راستا یکی از اقداماتی که دنبال می‌شود، افزایش پاداش آنهاست. طی دو سال اخیر تقریباً میانگین دستمزدها و پاداش‌هایی که به عزیزان می‌دهیم، حداقل نسبت به دو سال گذشته شش برابر افزایش پیدا کرده، البته نمی‌گویم این مقدار کافی و متناسب با تورم است اما می‌خواهم بگویم قصد بها دادن به این عزیزان را داریم و کارهایی نیز انجام شده است. ان‌شاءالله برای سال آتی نیز اقداماتی انجام می‌شود تا به مرور زمان پاداش این افراد به حد معقولی برسد و حقوق مناسبی دریافت کنند.

رئیس قوه قضائیه، حجت‌الاسلام‌والمسلمین آه‌ای نیز

اعتنای زیادی به همکاران ما دارند، منتها اصلاح پاداش‌ها، مستلزم مساعدت‌های دو قوه دیگر نیز می‌باشد، به خصوص سازمان برنامه و بودجه و بعد مجلس شورای اسلامی و دولت تا تلاش کنند اعتبارات ما افزایش پیدا کند و بتوانیم پاداش بیشتری به این عزیزان بدهیم.

**اجبار افراد برای مراجعه به شوراهای حل اختلاف، نافی حق شهروندان در مراجعه به دادگستری یا طبق اصول قانون اساسی نیست؟**

اسم شوراهای حل اختلاف غلط‌انداز شده و برخی گمان می‌کنند وقتی باید برای دعای زیر ۲۰ میلیون تومان الزاماً به شورای حل اختلاف بروند، به جایی غیر از دادگستری می‌روند، این در حالی است که شوراهای حل اختلاف جزو بدنه دادگستری هستند و در آنجا قاضی حضور دارد و مانند دادگاه‌های دیگر رأی صادر می‌شود و همان اعتبار رأی دادگاه را بدون هیچ تفاوتی دارد، بنابراین این نه تنها حق مردم و شهروندان را در مراجعه به دادگستری نقض نکرده بلکه دقیقاً همان حق را به شکل بهتری عملی می‌کند و پاسخگوی مردم است.

**پرونده‌های مطرح در شوراهای حل اختلاف هم جزو آمار پرونده‌های قوه قضائیه به حساب می‌آید؟ اگر این گونه**

**بررسی اختلافات شوراهای حل اختلاف در گفت‌وگوی «جوان» با رئیس مرکز توسعه حل اختلاف قوه قضائیه**

## نصف پرونده‌های قضایی

## در شوراهای حل اختلاف رسیدگی می‌شود

**الگوی شوراهای حل اختلاف معیارهای جهانی است**

**حقوق اندک کارکنان شورای حل اختلاف، مبنای قانونی دارد، زیرا مطابق قانون آنها همکار افتخاری هستند و صرفاً باید «پاداش» بگیرند**



#### مهسا گر بندی

**قرار بود «شورای حل اختلاف» جایی باشد که مشکلات مردم را حل کند اما این نهاد از عهده حل مشکلات کارکنان خودش هم بر نیامده و در مواردی نیز نتوانسته است رضایت مراجعه‌کنندگان را جلب تا جایی که کمتر کسی پیدا**

**می‌شود بعد از یک بار مراجعه به این نهاد، به همه سؤالاتش پاسخ داده شود. طبق ماده ۱۸۹ قانون برنامه توسعه، هدف از تشکیل شورای حل اختلاف این بوده است که مراجعات مردم به دادگاه و محاکم قضایی کمتر شود و پرونده‌هایی که**

**ماهیت آن شبه‌قضایی است و پیچیدگی کمی دارد، به شوروها واگذار شود تا صلح و سازش اتفاق بیفتد. در حالی که هدف مهم در رسیدگی به پرونده‌های رایجی به شوروها رسیدگی سریع‌تر به آنهاست اما عهده انتقادات مطرح شده از سوی مراجعه‌کنندگان، طولانی شدن فرایند دادرسی است. «جوان» در رابطه با چرایی طولانی شدن فرایند دادرسی، مشکلات مربوط به کارکنان شوراهای حل اختلاف و همچنین راهکار چابک‌سازی این نهاد با حجت‌الاسلام‌والمسلمین هادی صادقی، رئیس مرکز توسعه حل اختلاف قوه قضائیه گفت‌وگو کرده است.**



**است طبیعتاً باید آماری را که از پرونده‌های مطرح در قوه قضائیه ارائه می‌شود، کمتر دانست، چون غالب پرونده‌های مطرح در شورها، رسیدگی مجزایی از رسیدگی در دادگاه‌ها ندارند.**

در سند تحول قضایی یکی از اشکالاتی که به عنوان چالش‌های بزرگ قوه قضائیه احصا شد و در سند هم آمده است، بحث اطلاع فرایند رسیدگی است. برای حل این مسئله و چالش یکی از مهم‌ترین راه‌حل‌هایی که پیش‌بینی کرده‌اند، توسعه روش‌های حل اختلاف جایگزین قضایی است، یعنی مثل شوراهای حل اختلاف، مثل میانجیگری و مثل داوری، چهار روش را در حال اجرا داریم، بنابراین در سند تحول قضایی این مأموریت به مرکز توسعه حل اختلاف داده شده است که این کارها را بیشتر انجام بدهد و مأموریت این مرکز تمرکز بیشتری بر صلح و سازش پیدا کند و ما هم در این مسیر حرکت کرده‌ایم. در این دو سال آمار صلح و سازش از حدود ۳۰درصد به حدود ۴۰درصد رسیده که توفیق بزرگی است و نشان می‌دهد در مسیر تحول قضایی‌گام برداشته‌ایم. همچنین میانجی‌گران و داراران جدیدی را جذب می‌کنیم که به شکل حرفه‌ای تربیت شوند تا در خدمت مردم باشند و مردم کمتر

مهسا گر بندی

## پرونده

شوراهای حل اختلاف

سه‌شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۱ | ۷ شعبان ۱۴۴۴

پرونده‌های کل قوه قضائیه را شورای حل اختلاف و مابقی را دادگستری پیگیری می‌کند.

اگر ساختار شوراهای حل اختلاف از قوه قضائیه متفک شده و با تبدیل شدن به مراجع شبه‌قضایی، چابک‌تر شوند، کارایی این نهاد افزایش نمی‌یابد؟

اینکه ساختار عوض شود، بستگی دارد با چه رویکردی تغییر کند و به چه سمتی برود. به صرف تغییر که نمی‌توانیم مطمئن شویم چابک‌تر می‌شود. بستگی به نوع تغییر دارد. در ساختار شورای حل اختلاف پیشنهاداتی بود که قطعی نشده است؛ پیشنهاداتی از این قبیل که دادگاه‌های صلح را تشکیل دهدیم و شوراهای حل اختلاف در ذیل دادگاه‌های صلح تشکیل شود. قاضی دادگاه صلح، صلاحیت‌هایی دارد و می‌تواند رأی صادر کند، منتها قبل از صدور رأی توسط قاضی محترم دادگاه صلح، کاری که صورت می‌گیرد این باشد که شوروها تلاش کنند برای حل و فصل ماجرا و اگر صلح حاصل نشد، نتیجه این باشد که دادگاه رأی بدهد. این یک جور تغییر می‌تواند باشد که کار اصلی شورا صلح و سازش خواهد بود که قاضی هم هست و این شورا در کنار قاضی کارش را انجام می‌دهد. این نهاد می‌تواند مفید و کارآمد باشد و خیلی هم توفیر در افزایش صلح و سازش پیدا کند.

**غالباً آماری از صلح و سازش بین اصحاب دعوی و مختومه‌کن‌دن پرونده‌ها با میانجیگری شوراهای حل اختلاف ارائه می‌شود. این موارد اگر چه مثبت است اما نمی‌تواند به عنوان عملکرد مثبت شوراهای حل اختلاف در نظر گرفته شود، زیرا کارکرد اصلی این نهاد تا زمانی که وابسته به قوه قضائیه است، فصل خصوصاً با صدور رأی است. شما موفقیت شوراهای حل اختلاف را با چه معیارهایی سنجش می‌کنید؟**

اینکه وابسته به قوه قضائیه است که حسن کار است، یعنی مردم که به قوه مراجعه می‌کنند، در گام اول به شوروها می‌ایند و اگر لازم شد آنجا برای صلح و سازش تلاش کنند، هر مقدار که شد سازش دهند و پرونده مختومه شود تا مردم سراسر از فرایند پیچیده دادرس‌را، دادگاه و مراجع تجدیدنظر و اینها نروند، بنابراین حسن است و کار مردم تسهیل می‌شود.

وقتی آمار سازش افزایش پیدا کرده، نشان می‌دهد ورودی به دادگاه‌ها کاهش پیدا کرده است. معیار موفقیت شورای حل اختلاف همین است که اگر نباشد فلسفه وجودی شورایی حل اختلاف زیر سؤال می‌رود. شوراهای حل اختلاف الگوی تعالی درست کرده‌اند که پیشرفته و بر اساس معیارهای جهانی است، اینکه معیارهای پنج‌گانه‌ای را گذاشت و زیرمجموعه اینها ۳۲،۳رمعیار و ۱۶۲ شاخص برای ارزیابی شوروهاست که بیشتر شاخص‌ها به این مواردی است که اشاره می‌کنم، مثلاً «میزان صلح و سازشی که می‌تواند در پرونده‌های کیفری یا حقوقی بدهند» یا «کاهش زمان پرونده‌ها که بخش کیفری و حقوقی است» یا اینکه «بتوانند حداکثر زمان اجرای احکام را کاهش دهند»، مثلاً اگر اجرای احکام در سال گذشته ۲۰ یا ۳۰روز طول می‌کشیده‌است، امسال به ۲،۵روز کاهش داده شود. در همین راستا یک رقابت بین شوراهای حل اختلاف سراسر کشور ایجاد شده است که تلاش می‌کنند کار مردم را بهتر انجام دهند. بخشی از این شاخص‌ها مربوط به «میزان رضایت مردم» است که بر اساس آمارهای مرکز دیگری، غیر از خود ما سنجیده می‌شود.

**ممنون از وقتی که گذاشتید. در پایان اگر نکته‌ای وجود دارد که در رابطه با آن سؤالی پرسیده نشد، بفرمایید.**

ضروری است که مردم بیشتر آگاه شوند که نهادهای دیگری غیر از دادگاه وجود دارد و برای حل اختلاف می‌توانند کارآمد باشند. این باید توسعه، ترویج و تقویت شود. دو نهاد «داوری» و «میانجیگری» در بین مردم ناشناخته است، در صورتی که آنها باید بدانند که اگر به داوری مراجعه می‌کنند، چه آثار و پیامدهای خوبی می‌تواند برای‌شان داشته باشد، به شرطی که به داوری حرفه‌ای مراجعه کنند؛ داوری که از مرکز توسعه حل اختلاف، پروانه داوری داشته باشد و رأی عادلانه‌ای صادر کند. به این ترتیب مؤسسات داوری به تدریج در شهرها و استان‌ها شکل می‌گیرند و باعث می‌شود کار افراد سرت بگرید.

### علامت منفی «شورای حل اختلاف» به مراجعه‌کنندگان



ناچیز شافلان در شوراهای حل اختلاف را علت این موضوع دانست.

یکی دیگر از موضوعاتی که در شورای حل اختلاف آزاردهنده بود، پیچیدگی و طولانی‌تر شدن روند رسیدگی به پرونده‌ام بود. من ابتدا در دفتر خدمات قضایی طرح دعوی کردم و سپس از چند روز ابلاغ رسیدگی در شورای حل اختلاف برام پیامک شد. انتظار داشتم با رفتن به شورا کارها زودتر از دادگاه پیش برود، اما روندی که اتفاق افتاد، این‌گونه نبود. حدود ۴۰روز از روز طرح دعوی من زمان برد تا جلسه رسیدگی تشکیل شود. پس از رسیدگی هم که سه جلسه و طی مدت دو ماه زمان برد، در نهایت رأی صادره به قدری ضعیف بود که هم من و هم طرف دیگری پرونده در خواست تجدیدنظر ثبت کردیم.

امکان‌ات ضعیف ساختمان‌های شوراهای حل اختلاف و نبود فضای پارک خودرو و مسائلی از این دست هم، این پیام را می‌داد که خود قوه قضائیه برای این شوروها اهمیت شایسته‌ای قائل نیست. فکر می‌کنم رسیدگی در شورای حل اختلاف، یک جور از سر باز کردن قضیه است.

مراجعه‌کنندگان به شوراهای حل اختلاف مشکلات موجود در آن را بهتر از هر کسی می‌دانند چرا که با آنجا سروکار داشته‌اند و از ریز و درشت ایرادات مربوط به این نهاد باخبرند. آقای صادقی یکی از افرادی است که اخیراً به یکی از شعب شورای حل اختلاف مراجعه کرده است. او با گلایه از کم‌کاری‌های انجام‌شده در این شعبه می‌گوید: «در ابتدای مراجعه به یکی از شوراهای حل اختلاف تهران، انگار افراد حاضر در آنجا تحمل من را نداشتند، پیرامون پرونده‌ام سه سؤال داشتم که به هیچ یک از آنها جواب ندادند، در نهایت یکی از مسئولان شعبه‌ای که پرونده‌ام در آنجا مطرح بود، گفت بروم و هنگام وقت تعیین‌شده برای جلسه رسیدگی، سؤالاتی که دارم را ببرم، در صورتی که اگر به سؤال‌های من پاسخ می‌دادند، احتمالاً نوبت به جلسه رسیدگی نمی‌رسید!»

بعدا از سه بار مراجعه به مجتمع و شعبه حل اختلافی که به خاطر اختلاف در بازگشت پول و بدعه‌اجاره در آنجا پرونده داشتم، با یکی از کارمندان آنجا هم‌صحبت شدم و علت رفتار نامناسب کارمندان آن مجتمع را از او پرسیدم که در پاسخ، حقوق بسیار

### «حقوق ناچیز» کارکنان

### مفسده ایجاد می‌کند

#### مجید دانشجو\*

مشکل اصلی و دغدغه تمامی کارکنان و اعضای شوراهای حل اختلاف عدم‌وجود رابطه استخدامی عزیزان با بدنه و مجموعه دستگاه قضاست.

عنوان ویژه افتخاری در قانون شوروها برای اعضا و رئیس شعب که دارای مدارک تحصیلی عالی هستند، تعیین شده و آنها با صرف انرژی و وقت زیاد، باعث کاهش حجم ورودی پرونده‌ها به دادگاه و دادرسا می‌شوند. از جاع پرونده‌های کیفری و جرائم تعزیری در چه ۸ و ۷ به شوروها که سعی در صلح و سازش آنها نیز می‌شود، وظیفه شوراهای حل‌حالی دوجندان کرده است که عزیزان حاضر در شورا از کمترین مزیت‌ها و امتیازات شافلان در دستگاه قضا نیز محروم هستند.

بدتر اینکه عدم‌تصمیم‌گیری قاطع و صریح مسئولان قضا و نمایندگان مجلس این پیچیدگی و سردرگمی را در رسمی کردن و استخدام کارکنان شورا دوجندان کرده است. در حالی‌حق‌الزحمه این عزیزان ۴یا ۴میلیون تومان است که خط فقر را ۲۰میلیون تومان عنوان کرده‌اند و بدتر اینکه حداقل حقوق کارگری ۷میلیون تومان تعیین شده است که این موارد باعث دلخوری و ناراحتی آنها می‌شود که در شوراهای حل اختلاف تمام فکر‌شان کاهش بار ورودی دادگاه‌ها بوده است. از طرفی وجود نظارت قوی در شوروها مثل معاونت بازرسی و حفاظت و پیگیری قصور و اشتباهات کارکنان با رویکرد استعلامی مشکلات را برای همکاران افتخاری دوجندان کرده است. کاش ریاست عالیه قوای مقننه و قضائیه به این سؤال پاسخ دهند که با وجود همه موارد مطرح‌شده، چه توجیهی برای حقوق‌های ناچیز این خانواده ۱هزار نفری وجود دارد؟!\*

\*کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی